نقش جامعه، نظام آموزشی و دستگاه‌های اجرایی دولت در تحقق حکمرانی مطلوب

نویسنده: مرمر شوکت[1]

چکیده

نقش حکومت کنترل فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و مدیریت می‌باشد؛ در حالیکه حکمرانی مفهوم گسترده‌تری داشته و شامل تعامل سه بخش: حکومت، بازرگانی و جامعه مدنی می‌باشد. حکمرانی مطلوب شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آن شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را پیگیری کرده، حقوق قانونی خود را مطالبه نموده، تعهداتشان را برآورده ساخته و تفاوتها را تعدیل می‌کنند. ابزارهای دولت الکترونیکی به سازمان‌ها یاری می‌رساند تا به جای ارتباط سنتی و سلسله مراتبی، ارتباطی پویا، رضایت بخش و توام با تعامل کارساز با شهروندان، نه فقط به عنوان خدمات گیرنده، بلکه به عنوان عناصر تصمیم سازمان، برقرار نمایند. امروزه یکی از کارامدترین سازوکارهای مدیریت شهری در ارتقاء و توسعه فرهنگ شهروندی و تحقق الگوی حکمروایی شهری، بهره‌مندی از فرایند آموزش می‌باشد. حکمرانی خوب روایتی نو از مفاهیمی هم چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون است و در عین حال چارچوبی به دست می‌دهد که همه این اهداف و ارزش‌ها در یکجا جمع می‌شوند و با ایجاد حداکثر همگرایی و همسویی، اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم دنبال می‌شود.

تحقیق انجام شده یک مطالعه مروری و تطبیقی می‌باشد که از نظر هدف کاربردی و از لحاظ نوع داده‌ها کیفی است. مبنای مطالعه حاضر مطالعه و تحلیل منابع به دست آمده از پایگاه‌های اطلاعاتی بوده است. دراین مقاله به بررسی نقش جامعه، نظام آموزشی و دستگاه‌های اجرایی دولت در تحقق حکمرانی مطلوب می‌پردازیم.

بر اساس مطالعات انجام شده در این تحقیق هر سه عنصر جامعه، نظام آموزشی و دستگاههای اجرایی در دستیابی به حکمرانی مطلوب تاثیرگذار می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی مطلوب، جامعه، نظام آموزشی، دولت الکترونیک، دستگاه‌های اجرایی

مقدمه

حکمرانی موضوعی است فرا رشته‌ای و میان رشته‌ای که از شاخه‌های مختلف علمی همچون حقوق، جامعه شناسی، مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی، الهیات، روانشناسی و... بهره می‌برد. حکمرانی مطلوب حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، کارایی، پاسخ‌گویی، دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری را شامل می‌شود. از سوی دیگر حکمرانی مطلوب بر شراکت بین سه بخش دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی تأکید دارد که به سبب آن مسائل عمومی به شکل صحیح و بهینه اداره خواهد شد و از این رو ارتباط صحیح و تعاملی سه‌بخش یادشده، زمینه تحقق حکمرانی مطلوب در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اداری را فراهم می‌نماید.

چگونگی و کیفیت حکمرانی دولت‌ها به امور گوناگونی بستگی دارد که از آن جمله به ساختار قدرت، بافت حاکمیت و چگونگی توزیع قدرت میان دولت و سایر نهادها و سبک مطلوب اداره کشور مربوط می‌باشد. تحقق حکمرانی خوب با توزیع بهینه قدرت میان نهادهای سیاسی و یا نحوه توزیع صلاحیت‌های سیاسی و اداری میان نهادهای دولت و حاکمیت در سطوح ملی و محلی بستگی دارد. به عبارت دیگر، حکمرانی خوب با ساختار قدرت در ارتباط است و گاه ممکن است موانع ساختاری مانع اساسی بر سر راه تحقق حکمرانی خوب باشد. آنچه که ملاک

۱. نویسنده مسئول، کارشناس مسئول نظارت و ارزیابی، پژوهشگاه رنگ، تهران، ایران : mashowkat@icrc.ac.ir

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

روشنی برای قضاوت در این باره است این است که در نظام‌های مبتنی بر حکمرانی خوب، میزان مشارکت موثر و داوطلبانه شهروندان را معیاری برای ارزیابی عملکرد دولت و نهادهای دولتی می‌دانند. همچنین با توجه به ویژگیها و شاخصهای آن، نیازمند دولتی است که زمینه ساز تحقق مشارکت سایر بخشها در توسعه باشد. امروزه با تغییرات روزافزون، دولتها به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود. آنها باید با افزایش قابلیت‌های خود، توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند و عملکرد آنها از شفافیت کافی برخوردار باشد تا امکان مشارکت‌های سیاسی- اجتماعی به بالاترین سطح خود برسد. این مهم نیازمند الگوی جدیدی است که بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه در بخشهای دولتی، خصوصی و مدنی استفاده کرد. (محمدی، علی اصغر، عزیزی، حسین، مرادی، محمد، ۱۳۹۹)

با توجه به تحولات اساسی که در زندگی شهروندان به وقوع پیوسته علی القاعده مطالبات و نیازهای شهروندان نیز متعدد و گوناگون خواهد بود و دولت نیز با شکل سنتی خود نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فعلی شهروندان باشد. بنابراین دولت‌ها برای پاسخگویی به نیازهای کنونی شهروندان، نیازمند الگوی جدیدی هستند که بتوانند از همه ظرفیت‌های جامعه برای تقویت پاسخگویی و شفافیت، مشارکت و قانونمندی استفاده نماید. این الگوی نوین همان حکمرانی خوب می‌باشد. نهادهای مدنی به عنوان مدافع حقوق شهروندی در ارتقای مشارکت شهروندان و مسئولیت پذیری و پاسخگویی حکومت تأثیر بسزایی دارند. همچنین از یک سو، بخش خصوصی به عنوان عامل تولید در تقویت سرمایه‌گذاری‌ها و رشد ناخالص ملی و بخش دولتی از سوی دیگر، به عنوان تسهیل کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم سازی محیطی برای توسعه عدالت اجتماعی در جامعه نقش اساسی بر عهده دارند. از سوی دیگر، قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی به عنوان قانون مادر ضمن تنظیم روابط حاکم بر شهروندان، به تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌پردازد. (امامی، محمد، شاکری، حمید، ۱۳۹۵)

مباحث مربوط به حکمرانی خوب بسیار گسترده‌اند؛ از ارتباط تفکیک‌ناپذیر این اصطلاح با توسعه پایدار گرفته تا اثربخشی مدیریت عمومی. این اصطلاح تعبیری جدید از مفاهیمی نظیر دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون بوده که با ارائه قالبی جدید تلاش در جمع‌آوری این ارزش‌ها به طور یکپارچه دارد. آموزش ونهادهای آموزشی ابزاری مهم برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشورها هستند و به همان دلیل اولویت اصلی و حساس حکمرانی محسوب می‌شوند. درعین حال آموزش و پرورش از یک سو باید نقش فعلی خود در پاسخگویی به نیازها و اولویت‌های دولت و از سوی دیگر باید برای دستیابی به توسعه و تربیت شهروندان آینده و مواجهه با نیازهای نوظهور جهانی در یک فضای گسترده و کمتر مدیریت پذیر با همه سامانه‌های آموزشی همکاری ورقابت مستمر داشته باشد. در عصر حاضر نقش نظام‌های آموزشی به ویژه آموزش وپرورش فقط در علم‌آموزی، توسعه مهارتها، قابلیت‌های شناختی و آماده کردن کودکان و نوجوانان برای ورود به مدارج تحصیلی بالاتر خلاصه نمی‌شود، بلکه کارکرد فرهنگی و تربیتی آن در پیشرفت و توسعه جوامع بسیار حائز اهمیت است. (درویشی، محمد رسول و همکاران، ۱۳۹۹)

مبانی نظری تحقیق

• آموزش هدفمند

آموزش فعالیتی است هدفدار و از پیش طراحی شده که هدف آن فراهم نمودن فرصتها و موقعیت‌هایی است که امر یادگیری را در درون یک نظام پرورشی تسهیل می‌نماید و سرعت می‌بخشد. اهداف آموزشی را می‌توان در قالب اهداف علمی، اخلاقی، فرهنگی-هنری و اجتماعی تعریف نمود که دستیابی و تحقق این اهداف می‌تواند گام موثری در راستای تحقق حکمرانی مطلوب باشد.

اهداف علمی آموزش:

- تقویت روحیه تحقق، تعقل و تفکر، بررسی و تعمق، نقد و ابتکار.
- پرورش روحیه تعلیم و تعلم و تربیت مستمر.
- شناخت، پرورش و هدایت استعدادهای افراد در جهت اعتلای فرد و جامعه.
- شناخت اسرار جهان آفرینش و قوانین طبیعت به منظور پیشبرد دانش و معرفت و تجارب بشری.
- توسعه علوم و فنون و مهارت‌های مورد نیاز فرد و جامعه.
- پرورش روحیه مشارکت و همکاری در فعالیت‌های گروهی.

اهداف اخلاقی آموزش:

- تزکیه و تهذیب نفس و رشد فضایل و مکارم اخلاقی.
- پرورش روحیه اعتماد به نفس و استقلال شخصیت.
- تقویت احساس کرامت اخلاقی و برانگیختن عزت نفس.
- پرورش متعادل عواطف انسانی و همزیستی مسالمت آمیز.
- پرورش روحیه نظم و انضباط.

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

اهداف فرهنگی- هنری آموزش:

- شناخت، پرورش و هدایت ذوق و استعدادهای مختلف هنری و زیبایی شناسی.
- شناخت هنرهای ملی و جهانی مناسب.
- پرورش روحیه حفظ میراث فرهنگی، هنری و تاریخی.
- شناخت ادب فارسی به عنوان جلوه گاه ذوق، هنر و مظهر وحدت ملی و اجتماعی کشور.
- شناخت فرهنگ و آداب و سنن مطلوب جامعه‌ی اسلامی ایران.
- تقویت روحیه احتراز از رسوم منحط و خرافی.
- شناخت تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلام، ایران و جهان با تأکید بر فرهنگ معاصر.

اهداف اجتماعی آموزش:

- پرورش تعاون و همبستگی ملی وفرهنگی و تقویت آن.
- پرورش روحیه احترام به قانون و التزام به رعایت آن.
- پرورش روحیه نظم در روابط فردی و اجتماعی.
- پرورش روحیه مسئولیت پذیری و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی.
- تقویت روحیه گذشت و فداکاری در روابط اجتماعی.
- پرورش سعه صدر و تحمل آرای دیگران در برخورد با اندیشه‌ها.
- پرورش روحیه احترام به شخصیت افراد ومراعات حقوق مادی و معنوی آن.
- تأمین سلامت جسمی و بهداشت روانی با فراهم ساختن شرایط مناسب.
- تقویت روحیه رعایت بهداشت عمومی و حفظ محیط زیست. (عبدالهی، حسین، ۱۳۸۷)

• حکمرانی مطلوب

به موجب نظریه حکمرانی خوب، فرایند توسعه اقتصادی تحت تأثیر عملکرد سه نهاد بزرگ و نحوه تعامل آنها است: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی که هر یک وظایفی دارند. این وظایف باید به درستی شناخته و تفکیک شود، سپس بین آنها تعاملاتی صورت گیرد. این تعاملات باید به درستی انجام شود تا اینکه جامعه از بعد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی رو به شکوفایی برود. در غیر این صورت در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خلل ایجاد می‌شود. بنابراین محور اصلی اصلاحات و برنامه‌های توسعه مبتنی بر حکمرانی خوب نیز تعامل و تعادل این سه حوزه اصلی جامعه می‌باشد. هر یک از حوزه های حکمرانی نقشی مهم در ارتقای توسعه انسانی پایدار خواهند داشت. (رزمی، محمدجواد، صدیقی، سمیه، رضاییان، سمانه، ۱۳۹۱)

حکمرانی مطلوب شکل پیشرفته تری از حکمرانی صرف است. حکمرانی مطلوب، میزان تعهد و پایبندی دولتها به حقوق مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شهروندان و حقوق بشر است. در این نوع حکمرانی اداره امور عمومی به گونه‌ای انجام می‌شود که به دور از بهره برداریهای سوء بوده و مبتنی بر فرآیندهای قانونی باشد. نظامی که هر سه بخش حکمرانی، یعنی بخش حکومت، بازرگانی و جامعه مدنی بتوانند برای نیل به یک جامعه خوب و سالم با یکدیگر همکاری کنند و این امر مستلزم این است که بخش حکومت از نهادهای عمومی کارا، قابل اتکا و شفاف برخوردار باشد، بخش بازرگانی صرفاً به دنبال منافع خود نباشد و در کشور جامعه مدنی پویا و پر توانی وجود داشته باشد. (امامزاده فرد، پرویز، ۱۳۹۰)

• نظام آموزشی

نظام آموزشی عبارت است از مجموعه‌ای از عواملی نظیر برنامه آموزشی، مراکز آموزشی، مربی، فراگیر، تجهیزات، مواد آموزشی و...، که در امر انتقال دانش مشارکت دارند. این عوامل بر اساس فلسفه مسلط اجتماعی، سیاست آموزش رسمی و استراتژی روشن آموزشی و هدف‌های خاص اجتماعی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. گروه مشاوران یونسکو، نظام آموزشی را اینگونه تعریف می‌کنند: نظام آموزشی یک مجموعه پیچیده است که درآن اجزاء متشکله و زیر نظام‌ها به گونه‌ای سازمان یافته است تا در اثر تعامل مداوم، هدف‌های از پیش تعیین شده را تحقق بخشد. نظام آموزشی، پویا و پیوسته در حال تحول است؛ و با محیط خارج از خود یعنی اجتماع، پیوسته در حال همیاری است. در این نظام، از یک سو، انسان هم ماده اولیه محسوب می‌شود وهم مصرف کننده محصول و مجری فعالیت‌های آن نیز هست. لذا نظام آموزشی با پویایی خود می‌تواند در آرمان‌های افراد، انتظارات گروه‌ها و نهادهای اجتماعی نیز تحول ایجاد کند. از مهم ترین مسائلی که در نظام‌های آموزشی مطرح است، می‌توان به گسترش پایدار دانش و آگاهی‌های بشری که برنامه‌های آموزشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیز افزایش خواسته‌ها و نیازهای اجتماعی برای رفع کمبودها، نیازها و در نهایت ایجاد فرصتی همسان برای عموم مردم به منظور بهره مندی از امکانات آموزشی اشاره نمود. هدف عمده یک نظام آموزشی در هر جامعه، تربیت انسان توسعه یافته‌ای است که در تمام مراحل زندگی فردی و اجتماعی، نظم پذیر، مسئولیت پذیر و نقش آفرین باشد. افراد به نسبت رشد این سه ویژگی، در مقابل پدیده‌های زندگی فردی و اجتماعی، واکنش نشان می‌دهند. در واقع نظام آموزشی با فرایندهای رسمی و غیر

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

رسمی خود می‌تواند مختصات سه گانه فوق را در افراد به حدی از کمال و برجستگی برساند که آنان به شایستگی بتوانند در فرایند رشد و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع خود حضور یابند. در واقع نظام آموزشی شبکه وسیعی از نهادها و برنامه‌هایی است که انواع گوناگون آموزش در سطوح متفاوت را برای مخاطبان آموزش فراهم می‌کند. (باقری، بابک، ۱۳۹۱)

روش‌شناسی تحقیق

روش اصلی این تحقیق، با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی-تحلیلی بوده و با توجه به هدف تحقیق، توسعه‌ای و کاربردی می‌باشد. بدین صورت که با مطالعه منابع کتابخانه‌ای، موضوع مورد نظر انتخاب و اطلاعات مورد نیاز از اسناد و مدارک معتبر و مکتوب مربوط به پژوهش‌های انجام شده توسط محققان پیشین شامل: کتب، مجلات تخصصی، مقالات و... جمع آوری شده و مقاله حاضر در راستای موضوع تحقیق تدوین گردیده است.

یافته‌های تحقیق

• نقش دستگاه‌های اجرایی در تحقق حکمرانی مطلوب

نظام اداری در هر کشور وسیله عمده‌ای برای استمرار و تداوم بخشیدن به نظام حکومتی، تحقق اهداف حکومتی و آماده کردن جامعه برای پذیرش تغییرات و تحولات ناشی از توسعه اقتصادی اجتماعی است. نظام اداری همچنین ماشین اجرایی دولت به حساب می‌آید که مرتبط با هر سه قوه است و این ماشین اجرایی ابزار چهارگانه‌ای (قوانین و مقررات، ساختار تشکیلاتی، سیستم‌ها و روش‌ها و منابع انسانی) جهت ایفای نقش خود را در اختیار دارد. در مجموع سازمانهای اداری از نهادهایی هستند که در مرحله داده و نیز نهاده نظام عمل کرده و میزان پاسخگویی آنها نسبت به نیازهای جامعه در کاهش تشنجات و افزایش مشروعیت نظام سیاسی موثر است. حکمرانی خوب مستلزم فرایندها و نهادهایی است که حاصل آن تامین نیازهای جامعه، توام با بهترین استفاده از منابع در دسترس باشد. در حقیقت اولین مرحله در حکمرانی خوب نظام اداری و بوروکراسی شایسته و توانمند است. نظام اداری و تناسب منطقی آن موجب می‌شود که دولت قدرت پاسخگویی واثربخشی خود را افزایش دهد. می‌توان گفت اصلاحات و روند نظام اداری در قالب حکمرانی خوب با تاکید بر دگرگونی فرهنگی و فرهنگ سازمانی مترقی، پاسخگویی و حفظ حقوق مردم، اجرای شایسته سالاری، متناسب‌سازی منابع انسانی موجود و توانمندسازی آن‌ها، برقراری نظام ارزیابی عملکرد و اصلاح نظام پرداخت در حوزه منابع انسانی، منطقی‌سازی و الکترونیک کردن فرایندهای سازمانی، تمرکززدایی اداری و مالی، سیستم‌ها و روشهای نوین ارائه خدمات، به کارگیری روش‌ها و فناوری‌های مناسب در حوزه ساختار دولت، کاهش فساد اداری و تاکید بر مدیریت‌های محلی تعریف می‌شود. (حسینی، سید جواد، ۱۳۹۸)

پاسخگویی یک امر حیاتی برای مساله حکمرانی خوب است. نه تنها نهادهای دولتی بلکه بخش خصوصی و سازمان های جامعه مدنی باید نسبت به عموم مردم و همه افراد ذینفع پاسخگو باشند. به طور کلی یک نهاد یا سازمان نسبت به کسانی که در ارتباط مستقیم با تصمیم‌های آن قرار دارد، پاسخگو خواهد بود. لازم به ذکر است پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون قابل اجرا نیست. مجموعه این شاخص‌ها را می‌توان به عنوان دستورالعملی برای تعامل هرچه بهتر سه بخش دولت، بخش خصوصی(بازار) و جامعه به معنای نوین آن تلقی کرد. در این رویکرد هدف عبارت است از: به کارگیری حداکثری ظرفیت‌های موجود در هر یک از بخش‌های یادشده به منظور رسیدن به اهداف گسترده‌تری از رفاه اقتصادی و اجتماعی؛ بنابراین در این رویکرد تعامل، دولت وظایف جدیدی را برعهده می‌گیرد که مبتنی بر حاکمیت قانون و مشارکت است؛ بنابراین با رویکرد سنتی و مکانیکی نقش دولت بسیار متفاوت است. (مالمیر، آمنه، شیروانی، علیرضا، رشیدپور، علی و همکاران، ۱۳۹۳)

• نقش دولت الکترونیک در حکمرانی مطلوب

ظهور فناوری ارتباطات و اطلاعات فرصت‌های جدیدی را برای رشد و توسعهٔ کشورها در سراسر دنیا بوجود آورده است. دولت-ها امروزه در صدد آن هستند که از طریق دستیابی به فناوریهای پیشرفته ارتباطات و اطلاعات ابعاد جدید رشد و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را ایجاد کنند. یکی از جنبه‌های کاربردی بسیار مهم این فناوری در حکمرانی الکترونیک می‌باشد. فناوری ارتباطات و اطلاعات، نقش مهمی در پشتیبانی از اجرای قوانین، فرایندها و رفتارهایی بازی می‌کند که حکمرانی خوب را تعریف می‌کند. دولت الکترونیک، از طریق کاربرد فناوری ارتباطات و اطلاعات از دولت حمایت می‌کند. یکی از ابزارهایی که ادارات و سازمان‌ها می‌توانند حکمرانی خویش را از داخل سازمان، همچنین کارایی و اثربخشی را در خارج سازمان و روابط خود با ذی‌نفعان را بهبود بخشند، کاربردی‌کردن فناوری ارتباطات و اطلاعات است. از سوی دیگر با بهره‌گیری از این فناوری، میزان مشارکت و مردم‌سالاری در سازمان‌ها نیز ارتقاء می‌یابد (آهنگرپور، عادل؛ حسینی‌فرد، مجتبی، ۱۳۸۸).

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

ارتباط میان دولت الکترونیک و حکمرانی خوب به‌قدری نزدیک است که برخی صاحب‌نظران معتقدند دولت الکترونیک اگر درنهایت به حکمرانی خوب منجر نشود، هرگز رسالت خود را به‌انجام نرسانیده است. دولت الکترونیک، شیوه‌ای است برای اطمینان از اینکه همه شهروندان به‌گونه‌ای یکسان، از فرصت مشارکت درتصمیماتی که به نوعی بر وضعیت و کیفیت زندگی آنها تأثیر گذارند، برخوردار شوند. این شکل جدید از حکومت‌داری، شهروندان را از مصرف‌کنندگان منفعل خدمات دولتی به بازیگران فعال تبدیل می‌کند که می‌توانند دربارهٔ نوع خدماتی که به آن نیاز دارند، اظهارنظر کنند. دولت الکترونیک، امکانات گسترده‌ای را برای عینیت آرمان‌های حکومت‌داری خوب فراهم می‌کند و با به‌کارگیری فناوری‌های جدید ارائه خدمات در بخش عمومی، تسریع ارائه خدمات به شهروندان، پاسخگوترشدن مأموران دولتی، شفاف‌سازی اطلاعات، کاهش فاصله میان مردم و دولتمردان، مشارکت اثربخش‌تر شهروندان و اعضای جامعه مدنی در فرایند تصمیم‌گیری عمومی، گسترش عدالت اجتماعی از طریق فرصت‌های برابر افراد برای دسترسی به اطلاعات و غیره کمک شایانی می‌کند. حکومت‌ها چنانچه بخواهند در مسیر تحقق حکمرانی خوب حرکت کنند باید به ابزار نیرومندی همچون دولت الکترونیک مسلح باشند (مقیمی، سیدمحمد، اعلایی اردکانی، مصطفی، ۱۳۹۰).

امروزه با تحولات گسترده‌ای که در زمینه فناوری ارتباطات و اطلاعات رخ داده، امکانات وسیعی در اختیار مدیران و شهروندان برای برقراری تعاملی پویا قرار گرفته است. این رسانه‌ها با کوتاه‌کردن و حتی از بین‌بردن فاصله میان این دو حوزه (نظارت‌کننده و نظارت‌شونده) و تفهیم بسیاری از امور فنی و تخصصی امور شهری برای شهروندان، مزیت‌های فراوانی را در زمینهٔ سرعت ارائه خدمات بهینه شهری به شهروندان و آموزش آنها، نظارت گسترده آنان بر امور برنامه‌ریزی و اجرایی، در دسترس بودن مدیران و دست‌اندرکاران شهری، گردش و جریان آزاد اطلاعات در درون و بیرون سازمان به وجود آورده‌اند. امتیازات گسترده‌ای که این فناوری‌ها در اختیار مراکز نظارت همگانی قرار می‌دهد، در صورتی که با برنامه‌ریزی هدفمند همراه شود، می‌تواند زمینه‌ساز یک همکاری کارساز و پویا و مستمر را میان شهروند و مدیر اجرایی فراهم آورد (مالمیر، آمنه، شیروانی، علیرضا، رشیدپور، علی و همکاران، ۱۳۹۳).

• نقش جامعه در تحقق حکمرانی مطلوب

پیتر دونالدسون معتقد است اگر توده مردم درگیر توسعه باشند، توسعه با سرعتی بیشتر و نه لزوماً فوری به‌بار خواهد نشست. از نظر دونالدسون، توسعه اغلب فرایندی رنج‌آور و دشوار است تا همه مردم (در قالب تشکل‌ها، انجمن‌ها و شبکه‌ها) با آگاهی همگانی از تغییرات و نیاز به مطابقت در امر توسعه مشارکت جدی نداشته باشند، رسیدن به اهداف توسعه‌ای امکان‌پذیر نیست. همان‌طور که در نظریه مور هم هویداست، زمانی آحاد افراد جامعه و طبقات مختلف، بویژه طبقه متوسط می‌توانند در توسعه نقش‌آفرینی کنند که آنها به توانمندی‌های لازم مجهز باشند و این از طریق فضای آزاد، تشکل‌ها و نهادهای مدنی قابل تحقق خواهد بود. با جهانی‌شدن عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ظرفیت‌های ویژه‌ای در حوزه‌های سیاست‌گذاری و مدیریتی نیاز است که الگوی حکمرانی خوب با شراکت نهادهای حکومتی و بخش‌های خارج از آن در این جهت مطرح می‌شود. حکمرانی خوب درحقیقت دارای دو بخش است که در بخش اول، حکمرانی خوب شراکت بین سه رکن اصلی در جامعه دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی را نشان می‌دهد. اداره عمومی با عزم و اراده و روابط تعاملی میان نهادهای مختلف امکان‌پذیر خواهد بود. ارتباط صحیح و تعاملی سه بخش یاد شده، زمینه تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف را فراهم می‌سازد. پیوند میان دولت و جامعه و شکل‌گیری جامعه همکار و هم‌افزا در این بخش به‌خوبی ملاحظه می‌شود. در این پیوند، روابط بین اجزا براساس سلسله مراتبی نیست؛ بلکه اجزا هم‌ارز و هم سطح هستند. اجزا دارای ارتباط متقابل با همدیگر هستند و ارتباط به گونه‌ای‌است که موجب هم‌افزایی و اتحاد میان بازیگران در ترسیم استراتژی‌های کلان و اصلی می‌شود. به تعبیری دیگر می‌توان گفت الگوی حکمرانی خوب، هنر سازوکار و تعامل در میان نیروهای اجتماعی یعنی بازار، دولت و جامعه مدنی است. در این ساختار، تصمیمات و اجرای سیاست‌های کلی، ضمن گوناگونی و تضارب نظرهای یک توافق کلی و کلان وجود دارد. بدین‌سان، حکمرانی خوب با قراردادن عناصر اصلی عرصه زیست‌اجتماعی در کنار همدیگر و به‌رسمیت‌شناختن جایگاه بازیگران غیردولتی، زمینه را برای رسیدن به حکومت مردم‌سالار و دموکراتیک فراهم می‌کند. (امام جمعه‌زاده، سیدجواد، شهرام‌نیا، امیرمسعود، صفریان گرمه‌خانی، روح الله، ۱۳۹۵)

جامعه مدنی نقشی بسیار مهم در حمایت از حقوق شهروندان دارد. جامعه مدنی بیانگر بخشی از جامعه است که شهروندان را با حوزه عمومی و دولت پیوند می‌دهد. سازمان‌های جامعه مدنی، مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را کانالیزه کرده، آنها را از طریق سازماندهی در گروه‌های قدرتمند

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

برای تأثیرگذاری بر فرایند خط‌مشی‌گذاری تقویت می‌کنند. آنها همچنین فرصت‌هایی برای افراد جامعه فراهم می‌آورند تا ظرفیت‌هایشان را توسعه و استانداردهای زندگی‌شان را بهبود دهند. جامعه مدنی استوار بر اخلاق مدنی و قانونمندی می‌تواند به حکمرانی خوب بینجامد. مهم‌ترین سازه‌ها یا ویژگی‌های اخلاق مدنی عبارت است از: اعتماد، احترام دوسویه، قانونمندی، رواداری، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، انتقادپذیری، شفافیت و... چنانچه چنین ویژگی‌هایی، رفتارهای اخلاق بنیاد مدنی در کنشگران مدنی و به‌دنبال آنها در شهروندان پدید آورد، آنگاه می-توان شاهد یک جامعه مدنی نیرومند و اخلاقی بود که با پشتوانه چنین باورهای نگرشی-ارزشی همراه با پایبندی عملی بتوانند همکار و مشوق حکومت باشند و با چالش‌ها، انتقادهای منصفانه و درمیان‌نهادن راهبردهای سودمند، حکومت را به حکمرانی خوب وادارند و در این زمینه یاری رسانند. (رزمی، محمدجواد، صدیقی، سمیه، رضاییان، سمانه، ۱۳۹۱)

• نقش حقوق شهروندی و آموزش شهروندی در تحقق حکمرانی مطلوب

آگاهی از حقوق شهروندی و نهادینه شدن مشارکت در جامعه مدنی، مستلزم ارائه آموزش‌های لازم است. از آنجایی که آموزش شهروندی مهم‌ترین عامل موثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است؛ می‌توان آن را به عنوان دانش، ابزار و فعالیت-هایی درنظر گرفت که به‌منظور ترغیب افراد جامعه برای مشارکت فعالانه در زندگی دموکراتیک و اعمال حقوق و مسئولیت-های خود طراحی می‌شود؛ بنابراین، آموزش شهروندی با توسعه و پرورش مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های شهروندی سبب رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، و تامین فرصت‌های شغلی می‌گردد.

ابعاد آموزش شهروندی عبارتند از:

• ابعاد اجتماعی و فرهنگی: روحیه احترام به قانون، پرورش سعه‌صدر، توجه به ارزش‌های اجتماعی، همکاری و مشارکت، حراست از دستاوردهای گذشتگان، احساس همدلی و همدردی و ...

• ماهیت وجودی فرد: روحیه اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، روش صحیح بروز عواطف، توانایی تفکر منطقی، بسط اندیشه و...

• ابعاد اقتصادی: اولویت‌بندی منابع مالی، هدایت هزینه‌ها، انتخاب درست، صرفه‌جویی، فناوری‌های جدید در اقتصاد و استفادهٔ صحیح از منابع انرژی

• ابعاد سیاسی: آشنایی با مردم‌سالاری، آشنایی با سازمان‌های جهانی همانند یونسکو و... ، حقوق بشر، میهن‌پرستی، حقوق همسالان، انتخابات و ...

در واقع، دولت و نهادهای قانون‌گذار، سازمان‌های ملی و محلی، تشکل‌های مدنی و... از طریق آموزش حقوق شهروندی، مهارت‌های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری، نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت. هدف از این آموزش، آن است که افراد جامعه بدانند به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مدیریت شهری، چه وظایفی را باید اجرا کنند و چه انتظاراتی باید داشته باشند. مقصد اصلی آموزش‌های شهروندی، ارتقای احساس مسئولیت شهروندان نسبت به جامعه و مشارکت فعال در ادارهٔ امور شهر است. با آموزش شهروندی؛ احترام به ارزش‌ها، هنجارها و قوانین، مشارکت اجتماعی، رعایت حفظ وحدت و انسجام گروهی، توجه به مصالح عمومی و منافع اقتصادی در بطن جامعه نهادینه می‌شود؛ از این‌رو، چنین به‌نظر می‌رسد که یکی از موضوعات مهم و تاثیرگذار بر تحقق حکمروایی مطلوب شهری، آموزش شهروندی است که نقش مهمی در تقویت روحیه جمعی جامعه دارد (وطنی، مصطفی، عرفانی، مژده، ۱۳۹۷).

مدیریت شهری و شهروندان باید به یک چارچوب مشترک یا به‌تعبیری، یک چشم‌انداز یکسان از شرایط حال و آینده شهر دست‌یابند و به آن پایبند باشند و پیام شهروندان که چیزی جز بازخورد عملکرد مدیریت شهری نیست هم در همین چارچوب معنا شود. در همین چارچوب هم هست که نظارت همگانی با اهداف سازمانی رابطه‌ای معنادار پیدا می‌کند. دوم، مدیران اجرایی آمادگی شنیدن پیام شهروندان را داشته باشند و آن را در فرایند اصلاح و برنامه‌ریزی مجدد به‌کارگیرند. سوم، این احساس در شهروندان تقویت شود که نظارت آنان در مدیریت، اصلاح و تغییر، همچنین در افزایش کیفیت خدماتی که به آنان ارائه می-شود، اثرگذار است. نتیجه تحقق شروط فوق را می‌توان در ایجاد احساس مالکیت در شهروندان نسبت به فرایندهای تصمیم-گیری و اعتماد به مدیران اجرایی مشاهده کرد و این امر به معنای افزایش و تراکم سرمایه اجتماعی در حوزه درون و برون‌سازمانی است که در تسهیل فرایندها، کاهش هزینه‌های تصمیم‌سازی و نظارت و کارایی سازمانی بسیار کارساز است (مالمیر، آمنه، شیروانی، علیرضا، رشیدپور، علی و همکاران، ۱۳۹۳).

• نقش آموزش و پرورش در تحقق حکمرانی مطلوب

شاخص آموزش و پرورش از مؤلفه‌های کلیدی سنجش سطح توسعه‌یافتگی کشورها به شمار می‌رود. یکی از مباحث اصلی که با توسعه رابطه دارد، حکمرانی خوب است. مباحث مربوط

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

به حکمرانی خوب بسیار گسترده‌اند. از ارتباط تفکیک‌ناپذیر این اصطلاح با توسعه پایدار تا اثربخشی مدیریت عمومی ادامه می‌یابد. این اصطلاح تعبیری جدید از مفاهیمی نظیر دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون بوده که با ارائه قالبی جدید، تلاش در جمع‌آوری این ارزش‌ها به طور یکپارچه دارد. آموزش و نهادهای آموزشی، ابزاری مهم برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشورها هستند و به همین دلیل، اولویت اصلی و حساس حکمرانی محسوب می‌شوند. آموزش و پرورش از یک سو باید نقش فعلی خود در پاسخگویی به نیازها و اولویت‌های دولت و ملت را حفظ کند و از سوی دیگر، باید برای دستیابی به توسعه و تربیت شهروندان آینده و مواجهه با نیازهای نوظهور جهانی در یک فضای گسترده و کمتر مدیریت‌پذیر با همه سامانه‌های آموزشی همکاری و رقابت مستمر داشته باشد. به‌طور معمول، فرایند تعلیم و تربیت رسمی تلاش می‌کند تا تصویر آینده جامعه را در آیینه مدارس امروز منعکس سازد؛ ازاین‌رو، سیاست‌ها و تصمیمات جاری مدارس و موسسات آموزشی در وضعیت فردای جامعه به‌شدت تأثیرگذار هستند و شاید بتوان میزان فرهیختگی یک جامعه را به ماهیت و کیفیت تصمیمات اتخاذ شده در این زمینه و میزان بلوغ و اعتبار سیاست‌ها و تدابیر مورد نظر وابسته دانست. اخیراً حکمرانی خوب در حوزه آموزش و پرورش نیز وارد شده است. آموزش و پرورش به عنوان نهاد فرهنگی- اجتماعی، نقش اساسی و سرنوشت‌ساز در تربیت نیروی انسانی، تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی در فرایند رشد و تعالی کشور ایفا می‌کند. هدف غایی نظام‌های آموزشی؛ فراهم آوردن زمینه شناسایی، رشد و شکوفایی استعدادها و تعلیم و تربیت افراد به‌منظور حضور فعال و مؤثر در جامعه و انتقال فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حاکم بر کشور به آنان است (درویشی، محمدرسول، قائدی، محمدرضا، کشیشیان سیرکی، گارینه و همکاران، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

در دنیای کنونی، حکمرانی مطلوب از دغدغه‌های اصلی کشورهای درحال‌توسعه بوده و پیاده‌سازی و اجرای برنامه‌های مدیریتی در این راستا می‌تواند منجر به هموارسازی مسیر رشد و توسعه یافتگی این کشورها شود. رشد شدید نظام‌های اداری، مناسبات کاری و اداری سازمان‌های دولتی، نیمه‌دولتی، خصوصی؛ همچنین سازوکارهای مختلف مدیریتی در این بخش‌ها باعث شده است که ضرورت مدیریت صحیح و حکمرانی مطلوب، بیش از پیش احساس شود. بدیهی است پیاده‌سازی الگوهای مدیریتی صحیح در دستگاه‌های اجرایی دولت به عملکرد مطلوب این دستگاه‌ها منجر شده و درنهایت با ایجاد رضایت در شهروندان به تحقق حکمرانی مطلوب کمک می‌کند. به‌عبارت دیگر، اعتماد عمومی؛ شهروندان را به نهادها و سازمان‌هایی که نمایندگان آنها هستند، پیوند می‌دهد و از این طریق، مشروعیت و اثربخشی دولت‌ها نیز افزایش می‌یابد. آموزش و نهادهای آموزشی نیز ابزاری مهم برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشورها هستند و به‌همین دلیل از اولویت‌های مهم و حساس حکمرانی مطلوب محسوب می‌شوند. آموزش و پرورش با تربیت نیروهای انسانی متعهد، دانشمند، متخصص و ماهر، از طریق ارتقای سطح فرهنگ و دانش افراد جامعه بر بهبود عملکرد دستگاه‌های اجرایی و تحقق حکمرانی مطلوب تاثیرگذار است. در دنیای امروز که علم و تکنولوژی با رشد و گسترش سریع در جوامع توسعه‌یافته، عاملی مهم و اساسی در فرایند رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌آید؛ نهادها و نظام‌های آموزش و پرورش نقش به‌سزایی در رشد و توسعه و تعالی کشور ایفا می‌کنند.

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]

فهرست منابع و مآخذ

۱. امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ صفریان؛ گرمه‌خانی، روح‌الله (۱۳۹۵). «الگوی حکمرانی خوب؛ جامعه همکار و دولت کارآمد در مدیریت توسعه»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره سی وششم، صص ۴۰-۷

۲. امامزاده فرد، پرویز (۱۳۹۰). «جایگاه و نقش حقوق بشر در حکمرانی مطلوب»، دوفصلنامه بین‌المللی حقوق بشر، جلد ۶، شماره ۱، صص ۴۴-۳۱

۳. امامی، محمد؛ شاکری، حمید (۱۳۹۴). «حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، سال اول، شماره ۲، صص ۵۷-۲۵

۴. آهنگرپور، عادل؛ حسینی‌فرد، مجتبی (۱۳۸۸). «اهداف دولت الکترونیک در راستای تحقق حکمرانی خوب»، راهبرد انجمن پردیس قم دانشگاه تهران، شماره ۳، صص ۶۲-۳۹

۵. باقری، بابک (۱۳۹۱). بررسی کارایی درونی آموزش ابتدایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی دزفول

۶. حسینی، سیدجواد (۱۳۹۸). «حقوق شهروندی و ارتقای حکمرانی مطلوب شهری»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال سوم، شماره ۹، صص ۶۲-۴۳

۷. درویشی، محمدرسول؛ قائدی، محمدرضا؛ کشیشیان سیرکی، گارینه؛ توحیدفام، محمد (۱۳۹۹). «سیاست‌گذاری آموزش در ایران با توجه به نظریه حکمرانی خوب (مطالعه موردی؛ شاخص اعتماد عمومی)»، دوماهنامه علمی – پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال یازدهم، شماره ۵، صص ۳۰۴-۲۸۹

۸. رزمی، محمدجواد؛ صدیقی، سمیه؛ رضاییان، سمانه (۱۳۹۱). «الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی»، نشریه اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۷۵-۵۱

۹. عبداللهی، حسین (۱۳۸۷). درآمدی بر روش‌ها، فنون و مهارت‌های تدریس، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ دوم

۱۰. مالمیر، آمنه؛ شیروانی، علیرضا؛ رشیدپور، علی؛ سلطانی، ایرج (۱۳۹۳). «مدیریت ارتباط با شهروند و حکمرانی مطلوب»، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۱۵۲-۱۴۱

۱۱. محمدی، علی‌اصغر؛ عزیزی، حسین؛ مرادی، محمد (۱۳۹۹). «تاثیر حکمرانی مطلوب در توسعه شهری در ایران»، جغرافیا و روابط انسانی، دوره۳، شماره۳، صص ۲۸۹-۲۷۳

۱۲. مقیمی، سیدمحمد؛ اعلایی اردکانی، مصطفی(۱۳۹۰). «سنجش شاخص‌های حکمرانی خوب و نقش دولت الکترونیک در ارتقای آن»، فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۸۸-۱۷۱

۱۳. وطنی، مصطفی، عرفانی، مژده (۱۳۹۷). نقش آموزش شهروندی در تحقق حکمروایی مطلوب شهری، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران، دانشگاه تهران.

[Downloaded from smtjournal.smtc.ac.ir on 2026-10-24]